

۸ اردیبهشت، سالروز شهادت خلبان نهب‌پرواز کشورمان، شهید علی اکبر شیروودی گرامپباد.

فرازهایی از سخنان شهید شیروودی:

- من علی اکبر شیروودی فرزند دهقان زاده شهسواری هستم . من روستا زاده افتخار می کنم در خدمت شما هستم و این قدر هم که از من تعریف می کنید، می ترسیم خودم را گم کنم و فکر کنم واقعا لیاقتش را ندارم .من خواهش می کنم من را بزرگ نکنید ،من لیاقت این همه بزرگی را ندارم ،من یک سرباز ساده اسلام هستم که هنوز نتوانسته ام خودم را در حد کمال قرار دهم ،یک سرباز ساده باشیم تاروژی که به شهادت برسیم و در آن روز خداوند بزرگترین درجه افتخار را به ما عنایت می فرماید .تا آن روز ما سرباز ساده ای هستیم و بهتر است که ما را بزرگ نفرمایید تا خودمان را گم نکنیم .



- من نوکر آن کسی هستم که طرفدار امام باشد، من نوکر کسی هستم که مطیع و مقلد امام است و در غیر این صورت سرور آن کس هستم.

- در حال حاضر اگر تعریف نباشد فکر می کنم بالاترین ساعت پرواز جنگ در دنیا را داشته ام. تا به حال ۳۶۰ بار از خطر گلوله های دشمن جان سالم به در برده ام. آنچه که مسلم است قدرت خداست که من تا به حال زنده ام و امیدوارم که تا روزی که اسلام به پیروزی می رسد زنده بمانم.

- وقتی که پرواز می کنم حالتی دارد که یک نفر عاشق، به طرف معشوق خود می رود . هر آن فکر می کنم که به معشوق خودم نزدیکتر می شوم و وقتی در حال برگشتن هستم هر چند که پروازم موفقیت آمیز بوده باشد ،باز مقداری غمگین هستم ،چون احساس می کنم هنوز آن طور که باید خالص نشده ام تا مورد قبول خدا قرار بگیرم .

- از شما مردم می خواهم که مواظب باشید، مواظب شایعات باشید، سپاه را بشناسید، ارتش را بشناسید و ببینید سپاهی که از قلب این ملت بر خاسته و ارتشی که این همه «حر» تحویل جامعه قهرمان پرور ایران داده تا به حال چه حماسه هایی آفریده اند. ارتشی که پشتیبانش ملت باشد حتما پیروز است، مخصوصا وقتی که این ارتش مکتبی باشد و ما امیدواریم که تمامی پرسنل ارتش ما روزی مکتبی باشند و ما امیدواریم که تمامی پرسنل ارتش ما روزی مکتبی بشوند و آن روز، روزی است که آمریکا باید بر خودش بلرزد، چون یک ارتش مکتبی می خواهد دنیا را به زانو در آورد.

- به همه ملت‌های مسلمان جهان اعلام می کنم که من و هم‌زمانم سرباز اسلام هستیم و برای اسلام می جنگیم و نه برای هیچ چیز دیگر .ما برای احیای اسلام می جنگیم و من به نوبه خودم اگر برای اسلام نبود حتی اسلحه به دست نمی گرفتیم. مکتب ما پیروز است، مکتب ما قوی است. این مکتب است که سربازان را به جبهه می فرستد و این طور رشادت به خرج می دهند و این چنین از خودشان فقط مقداری خاکستر به جا می گذارند و اسم عزیز شان در ایران و در تاریخ کلیه جنگهای جهان علیه ظلم زنده خواهد بود... از قول من به امام بگویید: «امروز در جنگ، مکتب است که می جنگد نه تخصص.»

شهید شیروودی در نگاه دیگران

رهبر معظم انقلاب :

سروان شیروودی یک خلبان هوانپرواز بود و انسانی همیشه آماده شهادت. به یکی از برادران از دوستان قدیمی اش و از روحانیون متعهد کرمانشاه است گفته بود، فلانی بیا یک خداحافظی از روی خاطر جمعی با تو بکنم، زیرا می دانم که باید شهید بشوم. این

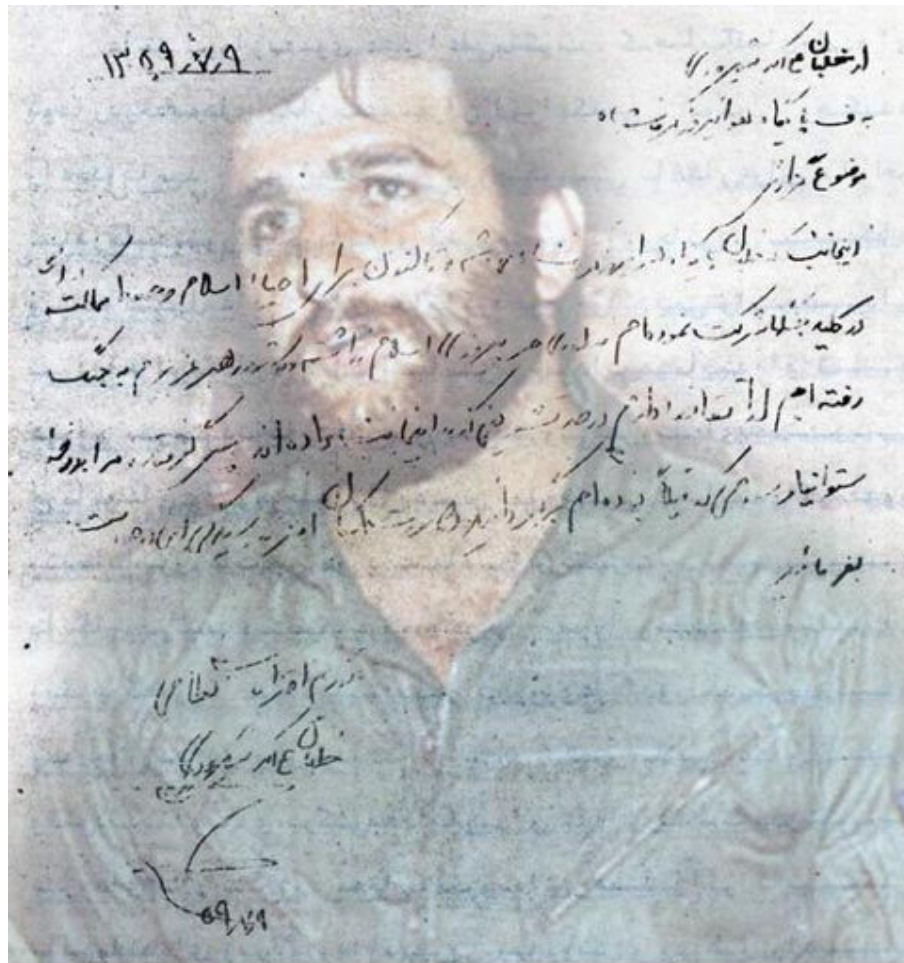


برادرمان گفته بود که خدا کند حفظ بشوی و خدمت کنی. گفته بود نه، شهید کشوری را در خواب دیدم که به من گفت: شیرودی یک عمارت خیلی خوبی برایت گرفته ام، باید بیایی توی این عمارت بشینی، لذا می دانم که رفتنی هستیم. به یکی از برادران هم گفته بود که دعا کن تا شهید شوم، از بعضی از جریانات سیاسی دلم گرفته است. درگیریهای سیاسی این جوان مومن را بسیار آشفته و ناراحت کرده بود.

شهید فلاحي - رئيس سابق ستاد مشترك ارتش جمهوری اسلامی ایران:

وقتی خبر شهادت شهید شیرودی را به حضرت امام رساندم ایشان شدیداً منقلب شد و متاثر گشت و پس از آنکه اشک از چشمانش سرازیر شد فرمود: «شیرودی آمرزیده است.»

این نامه را بخوانید:



از : خلیان علی اکبر شیرودی
به : ف (فرماندهی) پایگاه هوانیروز کرمانشاه

موضوع : گزارش

اینجانب که خلیان پایگاه هوانیروز کرمانشاه می باشم تا کیون برای احیاء اسلام و حفظ مملکت اسلامی در کلیه جنگها شرکت نموده ام منظوری جز پیروی اسلام نداشتم و به دستور رهبر عزیزم به جنگ رفتم ام لذا تقاضا دارم درجه تشویقی که به اینجانب داده اند پس گرفته و مرا به درجه ستوانیار سومی که قبلاً بوده ام برگردانید. در صورت امکان امر به رسیدگی برای درخواست بفرمایید.

۱ خرداد، سالروز شهادت مسیح کردستان، شهید محمد پروجردی گرامپباد.

- معمولاً استراحت های ایشان در جاده ها و بین راه بود. اصلاً وقت استراحت خاصی از سپیده صبح تا دیر وقت شب، در حال تردد و سرکشی به خطوط و مناطق عملیاتی بود و در جلسات طولانی و خسته کننده طرح و برنامه ریزی عملیات شرکت مستقیم و فعال داشت. از نیمه شب تا یک ساعت مانده به اذان صبح، سرگرم نماز شب و تلاوت قرآن و ادعیه می شد و ذکر می گفت. اگر قیلوله کوتاه یک ساعته او را تا پیش از اذان صبح، در نظر بگیریم، باید بگویم، این مرد عمده خواب و استراحتش حین تردد در جاده ها، داخل ماشین بود.»



- سعی داشت گمنام باشد. سعی میکرد وجودش در جامعه مطرح نشود. معتقد بود که تمام اجر یک کار، در گمنامی عامل آن است. سخت اصرار داشت بر این گمنامی. یک بار که اکیپ فیلمبرداری تلویزیون غافلگیرانه از او فیلمبرداری کرد، مصراانه مانع از ادامه کارشان شد. می گفت: از من فیلمبرداری می کنید؟ بروید استغفار کنید... شما باید بروید از این بچه رزمنده ها که دارند می جنگند فیلم بگیرید...
- همیشه رسم داشتند که با بچه بسیجی ها حشرو نشر داشته باشند. با تمامی تنگی وقت و مسئولیت های سنگین که به عنوان فرمانده منطقه ۷ سپاه کشور داشتند، از کمترین فرصت ها، برای رسیدگی به معضلات بسیجی ها استفاده می کردند. در برخورد با نیروها، مصداق عینی «رحماء بینهم» بودند. در هر عملیات هم، مثل یک نیروی ساده، دوش به دوش بسیجی ها می جنگید و پیشروی میکرد. برای همین هم، بچه ها عاشق او بودند، اما خدا شاهد است که این مرد، از این همه عشق و ارادت، سر سوزنی دچار عجب و غرور نشد.
از دیگر مسایلی که «محمد» به شدت نسبت به آن پای بندی نشان می داد، رسیدگی و ملاقات با خانواده های شهدا و جانبازان بود. محبت و علاقه اش به یتیمان شهدا و حد حصری نداشت. بارها با لحنی مو کد گفته بود:

«خدا ما را به واسطه همین شهید داده ها امتحان می کند. مبادا با غفلت از آنها، سختی و عذاب خدا را برای خودمان بخریم!».

- شهید همت می گفت: در جریان پاکسازی محور «بانه- سردشت»؛ بعضی از برادران ما، به شهید کاظمی گفته بودند شما به بروجردی بگویید اینقدر جلو نیاید. احتیاجی به آمدن ایشان نیست. ما خودمان می رویم. شهید کاظمی، چندین بار درخواست بچه ها را با بروجردی مطرح کرد. اما هر بار، ایشان چیزی نمی گفت. نهایتا در برابر اصرار موکد شهید کاظمی گفته بود: اگر بنا بر ولایت است، من بر شما ولایت دارم، اینقدر از حد خودتان خارج نشوید!».

- شهید آشناسان هم می گفت: در عملیات دائم زیر لب با خودش زمزمه می کرد و نام خدا را بر زبان می آورد. چه در موقع سختی ها، و چه در حین پیروزی، زبانش جز به شکر به درگاه خداوند نچرخید. واقعا ایشان مظهر توکل بودند.

- همسر شهید آخرین دیدارش را اینطور توصیف می کند: به ایشان گفتم چهار سال است که در این منطقه هستیم. انشاءالله بعد از ختم جنگ به تهران برمی گردیم یا نه؟! در جواب گفتند: بخاطر نیاز شدید این منطقه، تصمیم گرفته ام در کردستان بمانم کاری هم به ختم جنگ ندارم. گفتم: پس لابد باخبر شهادت شما به تهران بر می گردیم؟ خندید و چیزی نگفت.

- برادری از مشکلات خودش صحبت می کرد. حاج آقا در جواب او گفتند: این دنیا ارزشی ندارد. ما باید همه چیزمان را در راه خدمت به مکتب مان بدهیم. همانطور که امام حسین (ع) و اصحاب ایشان با تمام سختی ها مبارزه کردند، ما هم مکلف به صبر و مبارزه ایم».

- شهید همت گفته بود: بروجردی شناخته نشد. بروجردی هنوز، نه بر ملت ایران و نه بر تاریخ ما شناخته نشده. تصور من این است که زمان بسیاری باید سپری شود تا بروجردی شناخته بشود. شاید خون رنگین بروجردی، این بیداری را در ما بوجود بیاورد!».

فرازی از وصیتنامه شهید بروجردی



اصل مقاومت و پایداری - همان طور که امام فرمودند - نباید فراموش شود که بیم آن می رود زحمات شهدا به هدر رود؛ اگر چه آنها به سعادت رسیدند اما این ما هستیم که آزمایش می شویم. من با تمام وجود این اعتقاد را دارم که شناخت و مبارزه با جریانهایی که بین مسلمین شایع شده و سعی در به انحراف کشیدن انقلاب از خط اصیل و مکتبی آن دارد، به مراتب حساس تر و سخت تر از مبارزه با رژیم صدام و آمریکا است؛ وصیتم به برادران این است که سعی کنند توده مردم را که عاشق انقلاب هستند از نظر اعتقادی و سیاسی آماده کنند تا بتوانند کادرهای صادق انقلاب را شناسایی کنند و عناصری را که جریانهای انحرافی دارند بشناسند که شناخت مردم در تداوم انقلاب، حیاتی است.

سامانه ی جدید پیامک قافله شهداء راه اندازی شد: ۳۰۰۷۶۵۰۰۱۹۷۸

شامل: پیام شهداء، فرهنگ جبهه، شعر، ولایت و رهبری، مناسبتها و

کافیست عدد ۰۰ را به این شماره ارسال کرده تا توضیحات لازم برایتان ارسال گردد.

(در صورتی که عضو قافله قاریان قرآن شهداء هستید در پیامکی جداگانه ذکر کرده تا از اطلاعاتی های این طرح باخبر شوید.)

www.qafeleh.ir

پست الکترونیک: info@qafeleh.ir